

یا غیرمستقیم می‌کند، موجب وارد آمدن خسارت و زیان به اتباع و یا منافع دولتی دیگر می‌شود، لذا مسئول جبران تمام خسارات وارده خواهد بود. اما در خصوص حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال ارتکاب جرائم تروریستی و هم‌چنین نوع واکنشی که می‌توان در این حالت نسبت به دولت‌ها اعمال کرد و این که مسئولیت بر دوش چه کسی خواهد بود، فردی که مباشرت یا مشارکت در جرم داشته و یا دولت متبوع وی، میان اندیشمندان حقوق اختلاف نظر وجود دارد. (واصل، ۲۰۰۳، ص. ۴۲۹) هم‌چنین در این باره که مسئولیت به کشورها منحصر است و یا می‌تواند با مسئولیت افراد جمع شود، باز هم نظرات اندیشمندان با یکدیگر هم‌سو نیست. (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۵) برخلاف مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص حقیقی، که امروزه امری مسلم و غیرقابل تردید است؛ تحقق و نمود عملی آن در صحنه‌ی بین‌المللی بیش از نیم‌قرن قدمت دارد. مسئولیت کیفری دولت‌ها هیچ‌گاه به‌طور صریح در جامعه‌ی بین‌المللی پذیرفته نشده است. هرچند تلاش‌های فراوانی در این راستا صورت گرفته است. مشکل اصلی شناسایی مسئولیت کیفری دولت‌ها، از مسئله‌ی حاکمیت آن‌ها و هم‌چنین عدم وجود مرجعی بین‌المللی فراتر از دولت‌ها ناشی می‌شود.

بحث نظری در خصوص مسئولیت کیفری دولت، از زمان تدوین ماده‌ی ۱۹ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل و طرح مسئله «جنایات بین‌المللی دولت» به‌صراحت در صحنه‌ی بین‌المللی مطرح شد. این کمیسیون در سال ۱۹۷۶ در راستای تثبیت اندیشه‌ی مسئولیت کیفری دولت‌ها، گامی مهم و اساسی برداشت؛ که در پیش‌نویس این کمیسیون پیرامون مسئولیت دولت‌ها، به‌خوبی آشکار است. ماده‌ی ۱۹ پیش‌نویس این کمیسیون، میان جرائم بین‌المللی شدیدی که موجب مسئولیت کیفری کشورها می‌شود و میان جنحه‌های بین‌المللی که باعث مسئولیت مدنی کشورها می‌شوند، تفاوت قائل شده است. (Y.B.I.L.C, 1976, p. 104 – 106) بند ۲ ماده‌ی ۱۹ جرم بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«اقدام غیرقانونی دولت که در نتیجه نقض و ترمرد از تعهدی بین‌المللی (که باهدف حمایت منافع اساسی جامعه‌ی جهانی شکل گرفته و این نقض تعهد از نظر